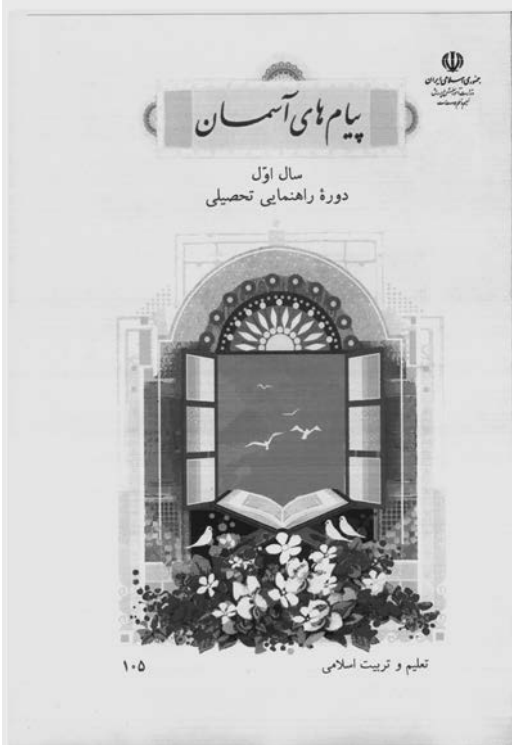


پرویز آزادی

کارشناس گروه دینی تعلیم و تربیت دینی

ارزش‌یابی شش‌گانه تحصیلی پیام‌های آسمان



در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ کتاب‌های دینی اول راهنمایی با عنوان «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی»، به کتاب‌های «پیام‌های آسمان» تغییر یافت. این تغییر، تغییرات دیگری نیز در پی داشت که یکی از آنها شیوه ارزش‌یابی این درس است. شیوه‌نامه ارزش‌یابی درس «پیام‌های آسمان» هم‌زمان با تصویب راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی، به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. بخش‌نامه این شیوه‌نامه نیز در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۴ به تمامی استان‌ها ابلاغ شد. تماس‌های معلمان و مسئولان گروه‌های آموزشی با گروه دینی پیرامون این شیوه‌نامه، نشانگر ابهامی بود که از شیوه‌نامه برای آنان ایجاد شده بود. در این مقاله می‌کوشیم مبانی نظری این شیوه‌نامه را به خوبی تبیین کنیم تا ابهامات احتمالی تا حدودی مرتفع شود.

ارتباط اهداف و ارزش‌یابی

هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی، «دستیابی به بینشی صحیح و عقلانی از دین (صراط مستقیم)، ایمان

و باور قلبی بدان و عمل به وظایف و دستورات دینی» است. این هدف نهایی درجات متفاوتی دارد. «همه درس‌ها ابزارهای زندگی‌اند و تعلیم و تربیت دینی خود زندگی است». اکنون درس دینی، درسی در شمار درس‌های دیگر است و از برنامه‌ریزی مشابهی تبعیت می‌کند. ساعت درسی خاصی دارد، با روشی شبیه



ارزش‌یابی مستمر، اطلاعات مستند و معتبری به معلم می‌دهد تا بتواند بر اساس آن‌ها مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند

درس‌های دیگر تدریس می‌شود و مانند آن‌ها امتحان و آزمون دارد و همان‌طور که درس‌های دیگر قبولی و مردودی دارد، ممکن است دانش‌آموزی از درس دینی هم مردود شود، گرچه فردی عامل به دین و نمازخوان، روزه‌گیر، راستگو و درست‌کار باشد.

وقتی می‌گوییم تعلیم و تربیت دینی برنامه زندگی است، بدین معناست که اگر کسی دین را برگزید و به دین دل داد، زندگی دینی را برگزیده است و ماهیت زندگی خود را صبغه دینی و الهی بخشیده است. نظام فعلی آموزش و پرورش که درس دینی را در تلقی مخاطب به درس هم‌عرض درس‌های دیگر تبدیل کرده، این نتیجه را رقم زده است که دانش‌آموز میان درس دینی و دین‌داری خود رابطه‌ای نبیند و چه‌بسا نمره‌ای کم در درس دینی بگیرد، اما در دین‌داری سرآمد افراد کلاس باشد یا برعکس، نمره‌ای عالی بگیرد، اما در رفتار دینی از دیگران عقب‌تر باشد.

آسیب دیگر، به رابطه میان ابعاد دین‌داری برمی‌گردد. معرفت به معارف دینی و صراط مستقیم، لازمه ایمان و عمل صالح است و به میزانی که این معرفت به شخص متعلم نشاط علمی و معرفتی ببخشد، ایمان وی را کامل و قوی می‌کند. اما اگر کسب این معرفت در شرایط نامطلوب و از سر بی‌میلی و بی‌ رغبتی انجام پذیرد، نه تنها به تکمیل و تقویت ایمان نمی‌انجامد، بلکه به معرفتی ناپایدار و سست منجر می‌شود و ایمان دینی را هم ضعیف می‌کند؛ چرا که دانش‌آموز احساس می‌کند مثلاً درس خداشناسی را باید بدان منظور بخواند که نمره بیست بگیرد تا معدلش افزایش پیدا کند. در واقع به طور ناخودآگاه احساس می‌کند که عامل بیرونی او را به سوی خداشناسی می‌کشاند، نه انگیزه‌های درونی. همین موضوع، نوعی بی‌میلی ناخودآگاه نسبت به درس در وی ایجاد می‌کند. این بی‌میلی و بی‌ رغبتی سبب می‌شود دانش‌آموزان درس دینی را بخوانند و نمره‌های مناسب بگیرند، اما کمتر به تحکیم پیوند قلبی برسند. علاوه بر این، چون آن علقه قلبی میان فرد و آموخته‌ها برقرار نمی‌شود، خود این دانش‌ها نیز ناپایدار و زودگذر می‌گردند و عموم آموخته‌ها در ظرف مدت کوتاهی فراموش می‌شوند و دانش‌آموز احساس می‌کند چیزی از آن آموخته‌ها را در اختیار ندارد.

حوزه‌های ارزش‌یابی

ارزش‌یابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل گوناگون آن حضور دارد و به اهداف یادگیری توجه

می‌کند و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن‌ها نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند. تعلیم و تربیت دینی سه هدف را دنبال می‌کند و می‌کوشد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند: ۱. شناختی عقلانی از مبانی و معارف و وظایف دینی؛ ۲. ایمان به آن مبانی و معارف و وظایف؛ ۳. عمل به وظایف و مسئولیت‌ها. فعالیت‌های یادگیری که در برنامه درسی پیش‌بینی می‌شود و در صحنه آموزش جاری می‌گردد، برای تقویت یکی از این اهداف یا هر سه هدف است. در میان این سه، فعالیت‌هایی که به هدف رفتاری و عمل صالح مربوط است، نمی‌تواند در دایره ارزش‌یابی قرار گیرد. اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی، می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آن‌ها دعوت شوند. ارزش‌یابی در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد:

الف) ارزش‌یابی از فعالیت‌های رشددهنده تفکر و تعقل

ارزش‌یابی در حوزه تفکر و تعقل باید به نحوی باشد که بتواند تعادلی میان این سطوح ایجاد کند. باید متناسب با سن رشد و موضوع خاص مطرح شده، برخی از این سطوح، اولویت داده شود و برخی از سطوح در مرتبه بعدی قرار گیرند. به طور مثال، خداشناسی، احکام نماز و روزه، صداقت و درست‌کاری سه موضوع دینی هستند که با سطوح متفاوتی از مهارت‌های تفکر درگیرند. تشخیص و انتخاب این سطوح در مراحل یادگیری و تعیین فعالیت‌های مناسب با هر یک و تمرکز ارزش‌یابی بر آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. بر این مبنا، باید گفت که انواع گوناگون ارزش‌یابی، به میزانی که در یادگیری این مهارت‌ها مدد می‌رسانند، باید به کار گرفته شوند. برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی که به سطوح متفاوت آن مربوط می‌شوند، بر این شرح‌اند: درک رابطه عنوان با مطلب، رابطه اجزای مطلب با هم و با کل مطلب، جمع‌آوری اطلاعات درباره یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره یک مجهول، بیان مشاهدات، مقایسه دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها و شباهت‌ها، بیان داستان، نتیجه‌گیری از داستان و یک



مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی، می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آن‌ها دعوت شوند



همه درسها ابزارهای
زندگی اند و تعلیم تربیت
دینی خودزندگی است

واقع، اعلام نظر درباره عوامل داستان و واقعه، درک رابطه میان چند آیه پیرامون مفهومی واحد، پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تطبیق خود و محیط زندگی بر آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط، بیان خاطرات، ذکر تجربه‌ها، تحقیق پیرامون یک موضوع، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، بیان واجبات و محرمات آموخته شده، توانایی تطبیق با مصداق‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

ب) ارزش‌یابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده ایمان و احساس دینی

با توجه به این که تفکر عقلی و تعمیق آن، ایمان و احساس دینی را تقویت می‌کند، همه فعالیت‌های قبل، به تناسب ارتباط آن‌ها با سطوح بالاتر تفکر و تعقل، در تقویت ایمان مؤثرند. علاوه بر این، برخی از فعالیت‌ها نیز رابطه بیشتری با تعلقات قلبی و عاطفی دارند. تشویق دانش‌آموز به این فعالیت‌ها، هم به تقویت بعد قلبی و عاطفی می‌انجامد و هم نشانگر پیوند قلبی و عاطفی اوست. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: بیان همدلی با شخصیت مثبت و اظهار دوری از شخصیت منفی داستان، نوشتن یا بیان علاقه‌های درونی در قالب‌هایی مانند دعا و شعر و نامه، مشارکت در گفت‌وگوها، انجام منظم فعالیت‌های پیش‌بینی شده، خلق یک اثر هنری مانند نقاشی، کار دستی، طرح، نمایش، قطعه ادبی، شعر و مناجات، زیبایی و نظم دفتر کار، سبقت و پیش‌دستی در پذیرش فعالیت‌ها، موضع‌گیری و ابراز موضع مطلوب بعد از ذکر یک واقعه یا داستان.

انواع ارزش‌یابی در تعلیم و تربیت دینی الف) ارزش‌یابی مستمر

با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان شد، ارزش‌یابی متناسب با این درس، ارزش‌یابی مستمر است. خصلت عمده این ارزش‌یابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های مرسوم دارد تا تصویری کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزش‌یابی برای رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه این که از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزش‌یابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا

بتواند براساس آن‌ها مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامه خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزش‌یابی با فرایند آموزش در هم تنیده، جاری و مستمر است. از نتایج به دست آمده، برای مقایسه یا نمره دادن به دانش‌آموزان استفاده نمی‌شود، بلکه تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را می‌پذیرد و به قابلیت رشد هر یک اعتقاد دارد. در فرایند این روش از ارزش‌یابی، دانش‌آموزان نقش اساسی دارند، چون در مرکز یادگیری قرار دارند و نقش اصلی را در پرورش یا اصلاح هر آموخته ایفا می‌کنند. هر چه دانش‌آموزان بیشتر در فرایند آموزش سهیم شوند، بهتر و بیشتر می‌توانند آموخته‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش دهند یا بهبود بخشند. به عبارت دیگر، شیوه آموختن را بهتر یاد می‌گیرند.

این نوع ارزش‌یابی می‌تواند به شکل‌های گوناگونی انجام شود. دانش‌آموز براساس اطلاعاتی که از روش‌های متفاوت جمع‌آوری می‌شود، مانند مشاهده رفتار و عملکرد دانش‌آموز در هنگام فعالیت‌های کلاسی، یا ارائه گزارش، یا پاسخ به پرسش‌های کتبی یا شفاهی، ارزش‌یابی می‌شود، اما همواره به خاطر داشته باشیم که آن چه هر ارزش‌یابی را مستمر، رشددهنده و پویا می‌کند، شیوه استفاده از نتایج آن است. ارزش‌یابی مستمر ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله:

۱. جزئی از فرایند آموزش است.
۲. به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.
۳. در تمام موضوعات درسی قابل اجراست.
۴. دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.
۵. معلم را قادر می‌سازد به طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.
۶. معلم را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علاقه‌های دانش‌آموزان را شناسایی کند.
۷. سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آن‌ها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.
۸. معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزش‌یابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزش‌یابی معتبر دانش‌آموز جمع‌آوری کند.
۹. دانش‌آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آن‌ها یکسان نیست. اما نباید تصور

شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها، خودش قضاوت نهایی را انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

با توجه به آن چه دربارهٔ ارزش‌یابی مستمر گفته شده، ارتقای آموزش از طریق این سنجش، به چند عامل اساسی وابسته است: ۱. دادن بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان؛ ۲. درگیر کردن مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری؛ ۳. استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس؛ ۴. درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوهٔ سنجش و ارزش‌یابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان دارد؛ ۵. توانا کردن دانش‌آموزان در ارزش‌یابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.

بنابراین، ارزش‌یابی مستمر بهترین روش ارزش‌یابی در این درس است که باید در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر، به عنوان تنها نوع ارزش‌یابی به کار گرفته شود و در دوره‌های بالاتر در اولویت مطلق باشد و سهم اساسی نمره بدان تعلق گیرد.

ب) ارزش‌یابی پایانی

این ارزش‌یابی معمولاً به هدف نمره دادن، تصمیم برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد. گاهی نیز ارزش‌یابی پایانی به معیاری برای ارزش‌یابی کار معلم تبدیل می‌شود. این امر باعث می‌شود معلمان عمدتاً به آزمون‌های پایانی بیش از حد توجه کنند و نسبت به نتایج آن حساس باشند و این حساسیت را به دانش‌آموزان نیز منتقل کنند. در نتیجه، مجموعه فعالیت‌های معلم و دانش‌آموزان تحت تأثیر این آزمون قرار می‌گیرد و نقش ارزش‌یابی مستمر بسیار کم‌رنگ می‌شود. این امر موجب می‌شود تا معلمان به جای آن که آن‌چه را آموزش می‌دهند، ارزش‌یابی کنند، آن چیزی را که قرار است ارزش‌یابی کنند، آموزش دهند؛ یعنی آموزش در خدمت ارزش‌یابی قرار می‌گیرد.

تفاوت دیگری که این ارزش‌یابی با ارزش‌یابی مستمر دارد، محدودیت آن است که نمی‌تواند انواع فعالیت‌های آموزشی را تحت پوشش قرار دهد؛ لذا فرصت توسعهٔ مهارت‌های یادگیری در قلمروهای آموزشی را از دانش‌آموز سلب می‌کند. هم‌اکنون، ارزش‌یابی پایانی معمولاً به شکل آزمون کتبی انجام می‌گیرد و بیشتر بر اهداف شناختی، آن هم سطوح اولیهٔ شناخت، متمرکز می‌شود. حتی اگر طراح سؤال‌های پایانی بتواند سؤال‌هایی طراحی کند که سطوح برتر مهارت‌های شناختی، مانند توانایی استدلال، مقایسه،

تطبیق و قضاوت را دربرگیرد، به علت محدود بودن این گونه سؤال‌ها، به تدریج موقعیتی پیش می‌آید که دانش‌آموزان پاسخ‌ها را حفظ می‌کنند و کارایی این گونه سؤال‌ها را از بین می‌برند. علاوه بر این، از آن‌جا که دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری خود را با نوع آزمون هماهنگ می‌کنند، وقتی این گونه ارزش‌یابی‌ها اهمیت بیشتر پیدا می‌کند، آنان می‌کوشند فعالیت‌های داخل کلاس را به سمت آمادگی برای آن آزمون سوق دهند و حتی اگر معلمی بخواهد فعالیت‌های دیگری را در دستور کار قرار دهد، آنان با نشان دادن عدم علاقهٔ خود، مانع از اجرای آن فعالیت‌ها می‌شوند و عملاً معلم را به سمت تدریسی می‌کشاند که با آزمون پایانی تناسب دارد؛ لذا، چون هدف اصلی تعلیم و تربیت دینی، تقویت ایمان و انگیزه برای عمل است، توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی بسیار زیان‌آور است و مانع توجه دانش‌آموزان به فعالیت‌های مستمر می‌شود که تقویت ایمان و تعمیق شناخت عقلی را به دنبال دارند.

آفت بزرگ دیگری که از توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی، گریبان‌گیر تعلیم و تربیت دینی می‌شود، تغییر مکان «وسیله» با «هدف» است. این اتفاق از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که دانش‌آموزان ارزش‌یابی پایانی را وسیله‌ای برای ارتقای تحصیلی، بالا رفتن معدل و نظایر آن تلقی می‌کنند؛ لذا به طور ناخودآگاه، به این دلیل درس دینی را می‌خوانند و محتوای کتاب را حفظ می‌کنند که بتوانند آزمون را با موفقیت طی کنند و نمرهٔ مناسبی برای ارتقای تحصیلی به دست آورند. ممکن است خود دانش‌آموزان به این امر واقف نباشند و در پاسخ این سؤال که «چرا در آزمون شرکت می‌کنید»، بگویند می‌خواهیم میزان یادگیری خود را تعیین کنیم، اما شیوهٔ درس خواندن آنان، توجه به جملات خاصی از کتاب و مرور چند بارهٔ متن و حفظ کردن عبارات گواه آن است که آن‌ها خود را در خدمت آزمون قرار می‌دهند نه آزمون را در خدمت خود.

آسیب عمیق و جبران‌ناپذیر این فرایند در تعلیم و تربیت دینی این است که به میزانی که انگیزهٔ کسب نمرهٔ پایانی قوی‌تر شود، رابطهٔ واقعی با محتوای درسی کاهش می‌یابد و به رابطهٔ خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت به تأثیرات قلبی و رفتاری در خود می‌رسد. این آسیب در ارزش‌یابی مستمر کمتر ظهور می‌کند؛ زیرا ارزش‌یابی مستمر در خدمت ارتقای یادگیری است و در همهٔ مهارت‌های آموزشی کاربرد دارد، نه صرفاً در مهارت حفظ اطلاعات و آموخته‌ها.



میزانی که انگیزهٔ کسب نمرهٔ پایانی قوی‌تر شود، رابطهٔ واقعی با محتوای درسی کاهش می‌یابد و به رابطهٔ خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت به تأثیرات قلبی و رفتاری در خود می‌رسد